

نامه جمعی از زندانیان سیاسی زندان سنندج به رئیس قوه قضائیه

جمعی از زندانیان سیاسی یا امنیتی زندان مرکزی سنندج طی یک نامه وضعیت محاکم قضایی کردستان را تشریح نمودند. متن کامل این نامه در پی می آید:

ریاست محترم قوه قضائیه
جناب آقای سید محمود شاهرودی
باسلام و عرض ادب

در این برهه از زمان هرچند فرصتی فراهم آمد تا جناب عالی از استان کردستان دیدن و در راستای اهداف کاری از مراکز قضایی بازدید نمایید، اما همچنان که استحضار دارید حقایق همیشه آنچیزی نیست که در کلام مامورین و منسوبین جاری است، بلکه پشت‌صحنه‌ای همیشگی و دایمی از مواد قانونی اجرا نشده و اجحاف وجود دارد که حضرت عالی هیچ‌گاه از مجاری رسمی و متعارف از آن‌آگاه نخواهید شد.

متأسفانه وضعیت عمومی محاکم قضایی دادگستری‌های تابعه کردستان خصوصاً دادگاه و دادسرای انقلاب سنندج، به‌حدی ناامیدکننده و مبتنی بر نگاه‌های سلیقه‌ای و امنیتی است که شاید برای جناب عالی تصورناپذیر باشد. مشاهده و تعمق در این وضعیت گاه‌آدم را به تردید می‌افکند که واقعا دادگاه و دادسرا آیا زیرمجموعه نهادهای امنیتی و اطلاعاتی هستند یا بخشی از یک قوه مستقل به‌نام قوه قضائیه؟ حتی در بسیاری موارد خود قضات و مقامات دادگستری به صراحت یا به‌طور ضمنی وابستگی خود را به مراکز قدرت خارج از قوه را تایید و به آن افتخار هم می‌کنند!

گمان نویسندگان این مرقومه برآن است که دیدار شما با مردم کردستان فرصت مغتنمی برای ما زندانیان سیاسی بود تا نکاتی چند را به حضور حضرت عالی یادآور شویم که البته از نگاه تیزبین شما مستور نمانده و چندسال قبل طی اطلاعیه‌ای از طریق رسانه‌ها به اطلاع عموم مردم رساندید و به تمامی مراکز قضایی و ارگان‌ها نیز ربط بخش‌نامه نمودید، اما متأسفانه علی‌رغم اهتمام جناب عالی و وجود مواد و تصریحات قانونی متعدد در قوانین موضوعه گوناگون، نه تنها قدمی در راستای اجرای آنها و تحقق بخشی از عدالت و رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع زندانیان سیاسی برداشته نشده بلکه مستمرا و متداوما در جهت خلاف آن اقدامات بی‌شمار و همیشگی صورت پذیرفته است. متأسفانه چنین فرصتی از ما دریغ شد و نتوانستیم حضورا به روشن‌گری بپردازیم، از همین‌رو تصمیم گرفتیم از اینت طریق به تنویر اوضاع و طرح شکایات و خواسته‌های خویش اقدام نماییم. مبنای حقوقی این دادخواست موادی از قانون اساسی جمهوری اسلامی، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و نیز بخش‌نامه حضرت عالی است که متأسفانه این مواد یا در مورد زندانیان سیاسی رعایت نگردیده و یا اگر رعایت گردد با چندین درجه تخفیف و به‌گونه‌ای بسیار نادر و انگشت‌شمار می‌باشد. اگرچه موارد درخواستی تمامی مطالبات نیست اما اجرای قانون در این مورد بسیاری از مشکلات و دغدغه‌های ما را برطرف خواهد نمود.

1- عدم رعایت اصل 32 قانون اساسی و اعمال بازداشت‌های طولانی و درازمدت که برابر این اصل توجیه قانونی ندارد. در برخی موارد متهم سیاسی به‌مدت چندین‌ماه و حتی چندسال در وضعیت معلق بازداشت رها شده و پرونده وی مورد رسیدگی قرار نگرفته است.

2- نگاه‌داری طولانی مدت در سلول‌های انفرادی بازداشت‌گاه‌های امنیتی و اعمال فشارهای جسمی و روحی. علاوه بر این‌که در قوانین ایران اعمال هرگونه شکنجه‌ای صراحتاً ممنوع اعلام شده، باید این نکته را هم در نظر داشت که نفس نگاه‌داری طولانی مدت در محیطی منقطع از دنیای بیرون، خود نوعی فشار و شکنجه محسوب می‌شود که می‌تواند منجر به اختلالات روحی - روانی شدید و غیرقابل جبران بر روان فرد محبوس شده گردد.

3- تکرر و تعدد مقامات و نهادهای تصمیم‌گیرنده برای زندانیان سیاسی و به‌عبارتی محدود شدن اختیارات مقام قضایی از سوی نهادهای امنیتی در امور مربوط به زندانی که برخلاف نص صریح اصل 156 قانون اساسی می‌باشد. اعمال نفوذ مراکز خارج از قوه قضائیه به اندازه‌ای است که در بیشتر پرونده‌های سیاسی

کردستان تکلیف حکم از قبل معلوم شده و با جزییات کامل به قاضی مربوطه شفاها یا کتبا دیکته می‌شود، به‌نحوی که در گردش کار بازپرسان امنیتی حتی مکان و نحوه نگهداری متهم نیز معین می‌گردد.

4- به‌کارگیری قضات کم‌تجربه و کم‌دانش در دادگاه‌های انقلاب و عمومی و سپردن پرونده‌های حساس به آنان . گاهی مشاهده می‌شود برخی از قضات یا مقامات قضایی دارای خاطرات شخصی و خانوادگی ناخوشایندی از منطقه کردستان می‌باشند که همین امر استقلال آنان را مخدوش نموده تا در نهایت شاهد رگه‌های مشخصی از انتقام‌گیری در آرای صادره اینگونه قضات باشیم. در نظر بگیرید قاضی دارای سوء‌ذهنیت را که به قضاوت ارزشی و نامتعارف دست‌زده و خودآگاه یا ناخودآگاه مسائل غیرمرتبطی را در روند دادرسی و تصمیم‌گیری خویش دخالت می‌دهد و آن‌گاه خود تصور بنمایید چه ملغمه‌ای ایجاد خواهد شد.

5- صدور حکم محکومیت زندانیان سیاسی به تحمل حداکثر و اشد مجازات مقرر در قانون در اغلب موارد بدون آن‌که موجبی وجود داشته باشد. در این حوزه وضعیت به‌گونه‌ای است که دادستان، معاون دادگاه انقلاب دادستان و قضات محاکم قضایی کردستان طی یکی دو سال اخیر در اقداماتی بی‌نظیر و عجیب اقدام له‌صدور کیفرخواست‌های «محارب» و «مفسد فی الارض» بی‌شمار نموده‌اند که اصولاً به‌لحاظ مستندات قانونی غیرقابل اثبات می‌باشند. چنین می‌نماید که بر سر « محارب تراشی» و صدور احکام نامتعارفی چون اعدام یا حبس‌های طول‌المدت همراه با تبعید، مسابقه‌ای در بین آنان درگرفته و هرکس سعی در پیروزی خود در این مسابقه دارد! شائبه‌ها و شایعاتی جدی در جریان است که ظاهراً آنان درصددند از این رهگذر به ارتقای شغلی و تقویت منزلت سیاسی خویش بپردازند و برخلاف سوگندی که خورده‌اند عدالت را فدای اهداف شخصی و گروهی خویش کرده‌اند.

6- عدم اعطای آزادی مشروط و عفو موردی برای کسانی که سابقه ندارند. هرچند در مواردی انگشت‌شمار این تسهیلات اعمال شده است اما غالباً هرگونه تخفیف در مجازات حتی در موارد بسیار رایج قانونی هم‌چون موارد فوق، برای زندانیان سیاسی از اساس ممنوع می‌باشد.

7- عدم اعطای مرخصی برابر مواد 213 تا 229 آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و بخش‌نامه حضرت‌عالی و نیز عدم صدور اجازه اشتغال به‌کار. اگر در مواردی هم این تسهیلات رعایت گردیده‌اند به‌گونه‌ای موردی و تبعیض‌آمیز بوده است، مخصوصاً دادستانی و شخص دادستان سنندج که حتی به پیشنهادات شورای زندان مرکزی سنندج وقعی نمی‌نهد.

8- احتراز از صدور مجوزهای ضروری جهت مداوای زندانیان سیاسی جهت اعزام به مراکز پزشکی‌درمانی خارج از زندان حتی در موارد ضروری.

9- عدم صدور اجازه انتقال به زندان شهرهای محل سکونت خانواده که به تبع آن مشکلات مادی و معنوی فراوانی برای خانواده زندانیان سیاسی به‌وجود می‌آید.

10- ممنوعیت تعیین و حضور وکیل مدافع قانونی در مراحل اولیه بازجویی و تحقیق در داسرا برخلاف قوانین مربوطه.

11- و چندین و چند مورد دیگر.

همچنان که در ابتدا گفته شد این تنها بخشی از مشکلات عدیده و پایان‌ناپذیری است که زندانیان سیاسی کردستان با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند. ما امضاکنندگان این‌نامه، به‌عنوان بخشی از زندانیان سیاسی زندان مرکزی سنندج، نه تنها از سوی خود بلکه به نمایندگی از دیگر زندانیان سیاسی کردستان - که ناگفته پیداست بسیاری از آنان به سبب هراس از عواقب قابل پیش‌بینی امضای چنین دادخواستی و با در نظرگرفتن شرایط ویژه خود و علی‌رغم میل باطنی قادر به امضای این نامه نیستند- تقاضا نمودیم با پیگیری مجدانه، واقع‌بینانه و متناسب از تضییع هرچه بیشتر حقوق قانونی و حقه ما و پایمال شدن عدالت جلوگیری نمایید. واضح و مبرهن است که قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که باید پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق‌بخشیدن به عدالت باشد، پس شایسته است مقرر فرمایید حقوق ما زندانیان سیاسی کردستان به‌نحو مطلوب و آنگونه که در قوانین ذکر شده رعایت گردد. در ضمن لازم است در راستای رفع کامل نواقص موجود و

پيشگيري از تکرار مجدد بي عدالتي هاي وسيع موجود در اين عرصه و نيز برخورد با مسئولين و عوامل دولتي ناقص قوانين، مکانيسمي علمي و مبتني بر احترام به حقوق مساوي شهروندان طراحي و اجرا گردد.

با تقديم احترامات بي پايان

جمعي از زندانيان سياسي زندان مركزي سنندج: سهراب جلايي، عدنان حسن پور، ياسرگلي، حبيب لطيفي،
ساسان بابايي، طه احمدي، فردين مرادي، جهاندار محمدي، امين خاتم پناه، امير سورشوري، سعيد سنگر،
كاوه طهماسبی، محمدياراحمدي

رونوشت:

- دفتر رهبري
- نهاد رياست جمهوري
- وزارت اطلاعات
- مجلس شوراي اسلامي
- انجمن دفاع از حقوق زندانيان